

حسین ضیایی

## ادبیات فارسی

*Persian Literature*

Edited by Ehsan Yarshater

ویراسته احسان یارشاطر

Bibliotheca Persica: Columbia Lectures on Iranian Studies, No 3  
Albany N. Y. The Persian Heritage Foundation, Suny Press, 1988. pp. xi, 526

انتشار این کتاب خلاء بزرگی را در امر تدریس ادبیات فارسی در دانشگاه های آمریکای شمالی و نیز دیگر مناطق انگلیسی زبان، مانند انگلستان و استرالیا، پر می کند. درس های ایران شناسی، در زمینه های مختلف زبان، ادبیات، تاریخ، و تاریخ اندیشه، در بسیاری از دانشگاه های آمریکای شمالی، بخصوص در سطح لیسانس، استادان این درس ها را بیش از همیشه با مسئله کمبود کتاب های درسی جامع و ساده و در دسترس برای دانشجویان روبرو کرده است. جای بسی خرسندی است که دانشجویان جوان ایرانی در مراکز علمی آمریکا مشتاقانه خواهان فراگرفتن میراث فرهنگی ایران زمین هستند و با عشق و علاقه ای آشکار در آن درس ها شرکت می کنند. زبان علمی بسیاری از این دانشجویان انگلیسی است و اصولاً به متون و کتابهای فارسی کمتر دسترس دارند یا کمتر می توانند به آسانی از آنها بهره گیرند. برای افراد غیر فارسی زبان هم که خواهان فراگرفتن ادبیات ایران هستند تا پیش از نشر این کتاب، کتاب ساده و در عین حال جامعی شامل تحلیلی دقیق از تاریخ، مسائل، مضامین، و قالب های ادبی در تمامی ادوار ادب فارسی سراغ نداریم که به آسانی در دسترس باشد. اکثر کتاب های جامع در باب ادب فارسی یا در دسترس نیستند و به علت کهنگیشان پژوهش های جدیدتر را در بر ندارند و یا زیاد فنی هستند و حکم کتاب مرجع را دارند. کتاب هایی مانند تاریخ ادبیات فارسی اثر ادوارد براون، ادبیات کلاسیک فارسی اثر آریبری، ادبیات فارسی اثر براگینسکی و کومیسارف، تاریخ ادبیات فارسی اثر باثووانی و پاگلیارو، تاریخ ادبیات ایرانی ویرایش یان ریچکا برای خواننده امروزی، دست کم در مراحل اول آموزش تاریخ ادب فارسی، ارزش این کتاب را ندارند. کتاب های جامع دیگر به زبان فارسی، مانند تاریخ ادبیات ایران (در ۲ جلد) اثر جلال الدین همای، تاریخ ادبیات ایران که (تاکنون ۵ جلد از آن منتشر شده است) اثر پر ارزش ذبیح الله صفا، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری (در ۲ جلد) اثر سعید نفیسی، به جز کتاب ذبیح الله صفا، در دسترس همگان نیستند. این کتاب ها و نوشته های تخصصی دیگری که مجال ذکر نام یکایکشان در این مختصر نیست، بیشتر برای اهل فن سودمندند و مطالعه آنها برای دانشجو چندان آسان نیست. ازینرو، این کتاب کمبود

مهمی را جبران کرده‌است و چون دیگر خدمات سودمند استاد یارشاطر به ادب فارسی با ستایش و استقبال فراوان روبرو خواهد شد.

یکی از مهمترین ارکان فرهنگ ایران شعر و ادبیات شاعرانه‌است. شاید بتوان به جرأت گفت که بیش از هر فرهنگ دیگری شعر در فرهنگ ایران نقش سازنده داشته‌است و هنوز دارد؛ و نقش شاعر نقشی است اصلی. چه شاعر مدّاح و مرثیه سرای، چه شاعری که با حماسه و اسطوره سروکار دارد، چه شاعری که اجتماع زمانش را «تجربه» کرده و از آن انتقاد می‌کند، و چه شاعری عارف که بیانش هم غایت و انجام بینش شاعرانه است و هم ساختمان پردازشی فلسفی. نهایت حکمت برای ایرانیان حکمت شاعرانه است. ایرانی خود را، اجتماع را، کیهان را، و طبیعت خارج را در شعر می‌بیند و از راه حکمت شاعرانه می‌شناسد و شناخت زیبایی برای وی همواره از درون شعر بر می‌خیزد. این کتاب با تکیه بر صور خیال و اثر خیال خلاق شاعران و ادیبان ایران و با مطرح کردن مطالب و فریافت های بنیادی ادبیات شاعرانه فارسی (چه در قالب شعر و چه در قالب نثر) نقش حکمت شاعرانه را در فرهنگ ایران به درستی بیان کرده‌است. هیچ کدام از کتاب هایی که نام بردیم ریشه‌های اصلی ادبیات شاعرانه فارسی را از آغاز تا امروز مانند این کتاب به خواننده غیر متخصص نمی‌آموزد. شاید در این زمینه کتاب باثروانی بیانگر ارزش حکمت شاعرانه در فرهنگ ایران باشد، ولی از آنجا که چندان در دسترس همگان نیست آن را هم برآستی نمی‌توان با کتاب حاضر هم‌مطراز دانست. این کتاب را می‌توان در درس هایی مانند «ادبیات ایران»، «فرهنگ ایران»، و دیگر درس ها در این زمینه‌ها در سطوح دانشگاهی تدریس کرد و از آن برای فهماندن مطالب به دانشجویان بهره برد. البته، چنانکه پیش از این گفتیم، این کتاب برای افراد غیر دانشجوی نیز بسیار سودمند است و ارزش آن برای متخصصین بدیهی است.

پیش از این که به بررسی بخش های کتاب بپردازم برخی از کمبودهای کتاب را ذکر خواهم کرد. استاد یارشاطر، ویراستار کتاب، خود به این کمبود ها در «یادداشت ویراستار» اشاره کرده‌اند. و برطرف کردن این کمبود ها شاید نیاز به افزودن چندین صد صفحه به حجم کتاب داشته باشد و، در نتیجه، عملاً ناممکن باشد. اما، به نظر نگارنده، با اضافه کردن چند مقاله کتاب از جامعیت بیشتری برخوردار می‌شود. در بخش سوم کتاب یعنی «دوران کلاسیک» جای مقاله‌ای جداگانه، مثلاً، با عنوان «شعر عرفانی از آغاز تا مولوی» خالی است. در چنین مقاله‌ای قصاید عرفانی سنائی و مثنوی های وی، مانند *جدیقة الحقایق*، *سیر العبادالی المعاد*، و نیز مثنوی های عطار، مانند *منطق الطیر* و *الهی نامه*، بررسی می‌شود. در بخش چهارم کتاب دو مقاله جداگانه می‌توانست اضافه شود: (۱) مقاله‌ای، مثلاً، با عنوان «استمرار قالب های شعر کلاسیک در دوره معاصر»، که در آن شعر شاعرانی مانند *ملک الشعرا*، *عشقی*، *ایرج میرزا*، *حبیب خراسانی*، *امیری فیروزکوهی*، و دیگران، بررسی

می شد؛ ۲) مقاله‌ای دربارهٔ نیمایوشیج، بویژه از این رو که اشعار بلندش چون افسانه در هیچ کتابی به زبان انگلیسی به تفصیل بررسی نشده‌است و تأثیر وی در شعر امروز فارسی و ادامهٔ شعر نیمایی انکار ناپذیر است.

اما بررسی بخش‌های شش‌گانه کتاب: در این مختصر ناگزیر به ذکر عنوان‌های مقالات و نکاتی چند اکتفا می‌کنم.

بخش اول، «بررسی مقدماتی»، شامل يك مقاله است. نوشته ویراستار کتاب آقای احسان یارشاطر با عنوان «تطور ادبیات ایرانی»، یکی از با ارزش‌ترین بخش‌های کتاب است، زیرا چشم اندازی است از کل مطالب کتاب ورشته هماهنگی از تاریخ ادبیات فارسی و چگونگی شعر و قالب‌های ادبی به دست خواننده می‌دهد. در این مقاله نقش زبان فارسی در استمرار هویت ایرانی پس از انقراض دولت ساسانی به عنوان «مؤثرترین رابطه بین دو دوره [قبل و بعد از اسلام] تاریخ ایران» (ص ۴) بدقت برای خواننده مشخص می‌شود. در یکی از بخش‌های مهم این مقاله، با عنوان «مشخصات کلی ادبیات فارسی»، که نظیر آن را این نگارنده در جای دیگر به زبان انگلیسی سراغ ندارد، یارشاطر با بررسی استادانه مشخصاتی چون فزونی شعر در ادبیات فارسی، توصیف مضامین حماسی و اخلاقی و عرفانی، صناعات ادبی، قالب‌های شعر، و مطالب دیگر، وجه «کلی» ادب فارسی بخصوص شعر را بیان می‌کند. این بیان برای فهم بخش‌های دیگر کتاب بسیار با ارزش است. خواننده کتاب فرا می‌گیرد که مجموعهٔ ادب فارسی چیست و چه ویژگی‌هایی دارد، و سپس در رابطه با آگاهی از این «کل» است که خواهد توانست جزئیات مطرح شده در بخش‌های دیگر کتاب را درک کند.

بخش دوم کتاب، «ادبیات قبل از اسلام»، شامل دو مقاله است. مقاله اول، «جنبه‌های ادبی اوستا»، را آقای دیل بیشاب نگاشته‌اند (در آخر کتاب، صفحه‌های ۵۱۹ - ۵۲۵ نویسندگان مقالات معرفی شده‌اند و نیازی به تکرار آن در اینجا نیست). در این مقاله که در آن در یکی - دو مورد از زرتشت به عنوان شاعر نام برده شده (مثلاً صفحه‌های ۴۵ و ۵۴)، لطایف و حکمت شاعرانه گاتها ی زرتشت به خواننده نشان داده می‌شود. این خود نکتهٔ ظریفی است، بخصوص در رابطه با مسئلهٔ مقام شعر در ادبیات فارسی. شعر به عنوان چکیده‌ای نمادین و رمز آمیز از بینش خردمندی دانا و آگاه بر می‌خیزد و به دیگر انسان‌ها آگاهی می‌آموزد، و در نهایت سخنی است سازنده در جریان تکوین فرهنگ ایران زمین. بر خلاف اکثر دیگر مقالات در این زمینه که پراز بحث‌های لغوی دور از حوصلهٔ خواننده غیر متخصص‌اند، آقای بیشاب در این مقاله جنبه‌های ادبی، مضامین دینی و آیینی، و مفاهیم اسطوره‌ای اوستا را برای خواننده به سادگی بیان کرده‌است. با بررسی «یشت‌ها»، علاوه بر «گاتها»، نویسنده نقش شاعر را نه تنها به عنوان سخنگو و پیام آور مشخص کرده، بلکه از

او به عنوان «یک قهرمان در نبرد کیهانی [که] سخنانش سلاح های پُر توان هستند» (ص ۵۴)، هم یاد می کند. از این رو، از همان آغاز کتاب خواننده با ارزش و نقش سازنده پیام شاعر در دین و آیین و هم در اسطوره آشنا می شود.

مقاله دوم این بخش، «ادبیات مانوی»، نوشته آقای جس آسموسین، در واقع ادامه بررسی نقش شاعر در فرهنگ پیش از اسلام ایران است. این بار به شاعر بُعد «عرفان» (معادل gnosis، ص ۵۷) هم اضافه می شود. در این مقاله از مانی به عنوان پیامبری (ص ۵۸) یاد می شود که «اشعار» دینی و عرفانی (ص ۶۱) رساننده پیامی است در جهت رستگاری نفس از زندان تن.

حکمت شاعرانه مانی گویای دیانتی است جهانی (universal religion) که در آن پیام تمامی پیامبران از آدم، شیث، نوح، بودا، زرتشت، موسی، عیسی، تا خود وی، تکامل می یابد و به گونه ای هماهنگ، زیبا، و نوین بار دیگر بیان می شود (ص ۶۰). این «عرفان» از اصیل ترین مبانی فرهنگ ایران است و معرفتی است که در بیان شاعرانه ایرانی ادامه می یابد؛ چنانکه نویسنده با برشمردن قصیده ای از دوران اوایل شعر فارسی نو (قرن چهارم هجری) به این امر اشاره کرده و این قصیده را (از شاعر گمنام همدوره رودکی) چنین توصیف می کند: «این شعر بدون تردید به لباس اسلامی درآمده، اما بیانگر ریشه اصلی و مشخصه کلام مانوی است: عذاب نفسی زنده در این دنیای شریر و بیگانه.» (ص ۷۱)

بخش سوم کتاب، «دوران کلاسیک»، شامل یازده مقاله به شرح ذیل است:

مقاله اول «شعر درباری در آغاز دوران کلاسیک» نوشته آقای جروم کلیتون. در این مقاله تاریخ و چگونگی آغاز شعر به گویش فارسی نو در خراسان و ماوراءالنهر و نیز نقش دربارهای سامانی و غزنوی و سلجوقی در استوار کردن و پراکندن شعر دوران اوایل بررسی شده است. یکی از مطالب مهم این مقاله اشاره ای است به این نکته که هر چند شعر سبک خراسانی از قالب های شعر عرب، مانند قصیده و غزل، و از اصطلاحات صناعات شعر عرب مانند مصراع، بیت، قافیه، و غیره و هم از اوزان عروضی عرب (یعنی در اصل از دوایر خلیل)، استفاده می کند، اما از آنجا که از سوی بکار بردن نام های شعر بزمی ساسانی، مانند ترانه و چامه و سرود همپای اصطلاحات عربی، و از سوی دیگر، سادگی بیان شاعرانه در شعرهای این دوران دلیلی است برای آنکه شعر این دوران را دنباله سنت شعر فارسی پیش از اسلام بدانیم (صص ۷۶ و ۷۷) و نه اینکه یکباره از درون قالب ها و مضمون های ادب عرب برخاسته باشد. در این دوره بیان شاعرانه شاعرانی مانند رودکی، دقیقی، عنصری، فرخی، منوچهری، و فردوسی هر کدام به نوبه خود، از حمد و ثنا گرفته تا حماسه و اسطوره دنباله فریافت های کهن فرهنگ ایران است در آمیخته با باورها و مضمون های جدید اسلامی به گونه ای هماهنگ و تازه. سرانجام شعر این دوره مجموعه ای است مشخص با زبانی از پیش

گویاتر، اما با نام فرهنگ ایرانی با اضافه صفت اسلامی. سهم شعرای این دوره در استوار کردن زبان بیان نوین فارسی و تجلی بخشیدن دوباره و زنده کردن فرهنگ ایران سهمی است اصیل و بنیادی.

مقاله دوم، «شعر حماسی»، نوشته آقای ویلیام هنوی است. در این مقاله نویسنده به مبانی حماسه در اشعار شفاهی و روایات اشاره می کند و سپس به مضمون های اصلی شاهنامه فردوسی، حماسه ملی ایران، قالب شعر آن (مثنوی در بحر متقارب)، مفهوم قهرمان در شاهنامه، و تمایز بین بخش های اسطوره ای و تاریخی آن می پردازد و در پایان به حماسه های دیگری که پس از شاهنامه فردوسی سروده شده اند، مانند گرشاسپ نامه اسدی طوسی، و برزو نامه، نیز اشاره می کند؛ و نیز چند سطری هم درباره انواع حماسه های «ساختگی»، مانند ظفر نامه حمدالله مستوفی، اضافه می کند. در نهایت این مقاله ساده و آموزنده است و روی سخنش با کسانی است که پیش از آن با سنت شاهنامه آشنایی نداشته اند، و می تواند برای دانشجویان سودمند باشد و هم مقدمه ای باشد بر مقاله پرارزش بعدی.

مقاله سوم، «فردوسی و هنر حماسه تراژیک»، نوشته آقای امین بنانی استادانه، با اندیشه، و یکی از عمیق ترین مقالات کتاب است. تحلیل محتوای «ساختار کیهانی» شاهنامه - هرگاه آن را به عنوان یک کل، یک مجموعه، در نظر بگیریم - تازه و بکر است در برابر مقالاتی که مدام با تکرار مکررات معمول و از دیرباز شناخته شده درباره شاهنامه و فردوسی به زیور طبع آراسته می شوند. این مقاله با اندیشه سروکار دارد و نه صرفاً توصیفی است از آنچه همه می دانند، بلکه تحلیلی است نواز ساختار بنیادی شاهنامه و ریشه های اصلی اندیشه فردوسی. در این تحلیل نقش اساسی «زمان» - هم به معنای ارسطویی آن، یعنی در رابطه با امتداد مکان (به عنوان یک اندازه)، که به آن زمان خطی هم می گویم، و هم به معنای فرایافتی از زمان بیکران، یعنی دهر، یا «زُزوانِ آکرته» - در ساختار کل شاهنامه مشخص شده است، و چنین تحلیل هوشمندانه ای، تاکنون کمتر ارائه شده است. «آفرینش، نبرد کیهانی نیکی و بدی، نیروی یکسان و سرکش طبیعت، که در انسان هم در امتداد زمان نمود دارد و هم زیر سلطه دهر، زمان بی کران» (صص ۱۰۹-۱۱۰)؛ و در ساختار بنیادی شاهنامه ضرورت حاصل از تضاد اصلی و نبرد کیهانی نیکی و بدی، دو جنبه دارد: جنبه ظاهری، که داستانی است از رویداد های زندگانی انسان ها، قهرمان ها، و پادشاهان - جنبه ای که خواننده بدون نیاز به دقت و باریک بینی در می یابد و صفحات کتاب های فراوان درباره شاهنامه در بازگویی این داستان ها پر شده است و دیگر جنبه باطنی، که در آن دهر سرآغاز همه چیز است، و اهب زندگی و هم گیرنده آن؛ سرچشمه حیاتی که با بخت برابر است و محرك حماسه تراژیک فردوسی که با نیکی و بدی در می آویزد و هدیه نهایش مرگ است. در

نهایت، «این عمومیت (universality)، توأم با انعکاس صادقانه و حل ناشدنی تناقض انسان (human paradox) گوهر هنر شاهنامه است و دلیل ابدی بودن آن، زیرا به هر نسلی این اجازه را می‌دهد که خود به دنبال حل آن باشد.» (ص ۱۱۹). این مقاله، که زبانش هم شاعرانه است، دریچه تازه‌ای را برای افرادی که شیفته حکمت شاعرانه فردوسی هستند و شاهنامه را الهام بخش می‌دانند باز می‌کند.

«شعر بزمی و عاشقانه» عنوان مقاله چهارم این بخش نوشته آقای حشمت مؤید است. این مقاله با بررسی نخستین نمونه های شعر بزمی و عاشقانه فارسی آغاز می‌شود. نویسنده نخست با ارائه ترجمه‌ای گویا از يك غزل شهید بلخی، قالب های شعر آن دوران و مطالبی را مانند تخلّص و تشبیب (سرآغاز عاشقانه قصیده) را به خواننده می‌آموزد. سپس مطالب ذیل را به دقت بررسی می‌کند: «نخستین قالب های شعر عاشقانه» در اشعار رودکی، شهید بلخی، رابعه قزّاری، کسائی مروزی، منجیک ترمذی، و دقیقی؛ «دوران غزنوی»، بررسی اشعار عنصری، فرّخی، و منوچهری؛ «تأثیر تصوف»، با نگرشی به اشعار ابوسعید ابی‌الخیر، سنائی، و عطار؛ «جنبه های غزل»؛ «اوج شعر عاشقانه»؛ ذکری از سعدی و حافظ؛ «تطورات بعدی»، تحقیق در ادامه غزل سرایی در دوران بعد از حافظ. از خصوصیات با ارزش این مقاله ترجمه های انگلیسی آقای مؤید از غزلیات فارسی است که نمونه های بارزی هستند بیانگر مباحث عنوان شده در مقاله، و این به جنبه آموزشی مقاله بسی افزوده است.

مقاله پنجم، «عمر خیام»، نوشته آقای آلول - ساتن، نوشته کوتاهی است که عمدتاً سرو کارش با مقایسه ترجمه های انگلیسی رباعیات خیام است؛ و باز برای افرادی که خیام را نمی‌شناسند و رباعیات را به انگلیسی مطالعه نکرده‌اند می‌تواند آموزنده باشد. مقاله ششم، «حماسه عشقی»، نوشته آقای یوهان بورگل تحلیلی است از آغاز منظومه های حماسی عاشقانه چون مثنوی‌های فخرالدین اسعد گرگانی، نظامی، امیر خسرو دهلوی، جامی، و دیگران و مفاهیم و مشخصات این نوع منظومه های عاشقانه ادب فارسی در آن بررسی شده است. نظر خود نویسنده مقاله این است که این نوع اشعار را که «موفقیت عظیمی در ادبیات جهان» (ص ۱۷۸) می‌داند، به دنیای غرب بشناساند، و در این امر قدم اول اما مهمی را برداشته است.

مقاله هفتم، «نظامی دراماتیسست استاد»، نوشته آقای پیتز چلکوفسکی، حاوی تحلیل تازه‌ای است از مضمون ها و جنبه‌های «دراماتیک» حماسه نظامی و دنباله کتابی است که ایشان به نام آئینه عالم غیب (نیویورک، ۱۹۷۵) به چاپ رسانده‌اند. ایشان در این مقاله با برشمردن پانزده صحنه از حماسه عاشقانه خسرو و شیرین نشان داده‌اند که ساختار این نوع حماسه ها نموداری است از هنر نمایشی (drama) اگرچه آنها را برای نمایش روی صحنه

نوشته‌اند؛ و حتی بر این عقیده‌اند که حماسه‌های عاشقانه فارسی به هنرهای نمایشی امروزی غربی نزدیک‌ترند تا نمونه‌های هنر نمایشی کلاسیک یونانی (ص ۱۸۱). از این رو، هنر داستانسرایی نظامی را بسیار استادانه و در عین حال واقع‌گرایانه می‌داند.

مقاله هشتم، «جلال‌الدین رومی: اشتیاق صوفیانه»، نوشته طلعت حلیمان، شاعر و نویسنده ترک، حاوی نکات جالبی است درباره سماع (آیین شریف)، (ص ۲۰۵ به بعد) در رابطه با شعر مولوی.

مقاله نهم، «نبوغ شیراز: سعدی و حافظ»، مقاله بسیار آموزنده‌ای است از خانم آتماری شیمیل. ایشان، همانند بسیاری از نوشته‌های فراوانشان، با سبکی شاعرانه و شوقی سرشار و علاقه‌ای آشکار به ادب فارسی جنبه‌های اصلی شعر سعدی و حافظ را به خواننده می‌آموزند.

مقاله دهم، «طنز در ادبیات فارسی»، نوشته آقای پال اسپراکمن مقاله آموزنده و سودمندی است که مانند آن به زبان انگلیسی کمتر نگاشته شده. نویسنده سنت هجا و هزل را در نوشته‌های عبید زاکانی، بخصوص در اثر متشورش اخلاق الاشراف، دنبال می‌کند و سپس نشان می‌دهد که در برخی از غزلیات حافظ نیز کنایه و هجا، و دیگر نکات طنزآمیز دیده می‌شود. سرانجام درباره طنز در ادب معاصر فارسی هم مطالبی می‌افزاید. در این مقاله، تا آنجا که این نگارنده اطلاع دارد برای بار اول در زبان انگلیسی هزلیات و نوشته‌های طنزآمیز ذبیح‌الله بهروز مطرح شده‌اند. نویسنده بهروز را با عبید مقایسه می‌کند؛ و بخش‌هایی از جیجک علی شاه، معراج‌نامه، و مرآت السرائر و مفتاح الضمائر بهروز را ترجمه کرده و «بینش طنزآمیز [وی را] کامل و شامل» می‌داند. وی معتقد است که بهروز از آنجا که «بنیادهای فرهنگ ایرانی را هجو می‌کند، هیچگاه ارزش کارش از بین نخواهد رفت.» (ص ۲۴۵).

مقاله یازدهم، «سبک هندی یا سبک صفوی: پیشرفت یا انحطاط»، مقاله‌ای است از آقای احسان یارشاطر در باره مضامین و عبارات شاعرانه سبکی از شعر فارسی که اکثر غیرمتخصصان با آن نا آشنا هستند و ازینرو مقاله بسیار آموزنده‌ای است. یکی از جنبه‌های بکر این مقاله این است که نویسنده نه جنبه شعر دوران صفوی را مشخص نموده و هر یک از آنها را با استناد به نمونه‌هایی از اشعار این دوران بررسی می‌کند. این نه جنبه در کل به عنوان فرایندی به کار گرفته می‌شوند که به واسطه آنها شاعری توانسته است کوشش خود را در راه جستجوی روش‌ها، مضامین، استعاره‌ها، تشبیهات و دیگر صناعات علم بدیع، و با قصد نوآوری در شعر، به ثمر برساند (صص ۲۶۱-۲۷۱). بنابراین، بر عکس باورهای متداول، که شعر این دوران را دارای ارزش کمتری می‌داند، در این مقاله نشان داده می‌شود که کوشش شعری دوران تیموری چون کمال خجندی، کاتبی، خیالی، امیرشاهی، و دیگران، که همه به دنبال نوآوری در شعر بوده‌اند، با شاعران دوران صفوی ادامه می‌یابد و استوارتر می‌شود،

و سرانجام در شعر شاعرانی مانند صائب تبریزی، کلیم کاشی، طالب آملی، و دیگران به توفیق می‌رسد. این تحلیل جامع از سبک هندی در شعر فارسی جنبه‌های افراط در تصنع و استفاده از تشبیهات و استعاره‌های بعید را نیز بررسی می‌کند (صص ۲۷۱-۲۷۷). در نهایت، پایان دوران صفوی پایان دوران شعر کلاسیک ادب فارسی است، و هر چند نوآوری‌های سبک هندی در برخی از موارد نماینده نهایت خیال خلاق در شاعران پیشین، شاعران سبک عراقی، است، اما در آخر، با تباهی گرفتن اوضاع دولت و اجتماع صفوی، شعر هم‌پوایی و ظرافت و اصالت خود را از دست می‌دهد.

عنوان بخش چهارم کتاب «ادبیات معاصر» است و باتوجه به این نکته که نوشته جامعی درباره ادبیات معاصر ایران به زبان انگلیسی در دست نداریم، بخشی است سودمند و می‌توان در تدریس ادبیات معاصر از آن بهره گرفت؛ این بخش شامل پنج مقاله است:

مقاله اول، «نثر داستانی: انعکاسی از وجدان ایران» نوشته آقای مایکل هیلمن، مقاله‌ای است درباره پیدایش داستان نویسی در ایران (۱۹۰۰-۱۹۲۰)؛ دنباله آن در دوران رضا شاه (۱۹۲۱-۱۹۴۱)؛ عصر جدید نثر نویسی (۱۹۴۴-۱۹۵۳)؛ و دگرگونی‌های اخیر در داستان نویسی (۱۹۵۳-۱۹۷۷). نویسنده در پایان به ارزیابی انتقادی از کل این نوع ادب فارسی می‌پردازد و در آن نقش نویسنده «متعهد» در اجتماع معاصر ایران را بررسی می‌کند. مقاله دوم، «صادق هدایت»، در دو قسمت نگاشته شده است: قسمت الف «یک سنجش کلی» توسط آقای یارشاطر؛ و قسمت ب «منظره به هم بافته صادق هدایت: نظر به غرب»، توسط آقای مایکل بیرد.

مقاله سوم، «شعر معاصر ایران» نوشته آقای مسعود فرزاد، یکی از مقالات خوب این بخش است. اما درباره تأثیر نیما در شاعران بعد از وی، شعر سفید، شعر نادر پور، اخوان ثالث، و دیگران بحثی نشده است؛ و شاید مقاله می‌بایست طولانی‌تر از این باشد دلیلی ندارد که بخش عمده مقاله (کمابیش یک سوم آن) به فروغ فرخزاد اختصاص داشته باشد، در حالی که از نادرپور و اخوان ثالث بحثی به میان نیاید. بخصوص که مقاله بعدی هم به فروغ فرخزاد اختصاص دارد. چند سطری هم که آقای فرزاد درباره نادرپور نگاشته یک جانبه است و بررسی جامعی از اشعار وی نیست.

به نظر من، گفته آقای فرزاد که «درد و شوق [در شعر نادرپور] سطحی است، [Skindeep]، همانگونه که شادی و لذتش» (ص ۵۴۳) نا آشنایی وی را با شعر نادرپور می‌رساند؛ بخصوص که دو مجموعه اخیر نادرپور صبح دروغین، و خون و خاکستر بررسی نشده است. شعر اخوان ثالث، که از موفقترین نمونه‌های شعر امروز فارسی است نیز مطرح نشده و این یکی از کمبودهای اصلی این بخش به طور کلی است. مقاله چهارم، «فروغ فرخزاد» نوشته خانم فرزانه میلانی، مقاله بسیار به موقعی است.



خانم میلانی با تبخّری آشکار بر شعر فروغ تصویر کاملی را از وی برای خواننده بیان کرده‌اند. با توجه به شوق فراوان دانشجویان به فروغ این مقاله بسیار سودمند است. ترجمه‌های انگلیسی ارائه شده از شعرهای فروغ، از خانم میلانی و بنانی و کسّلی، بسیار گویا و از جمله ترجمه‌های موفق اشعار فارسی به انگلیسی است.

مقاله پنجم، «نمایشنامه نویسی معاصر فارسی» نوشته خانم ژیزل کاپوشینسکی، مقاله‌ای است محققانه که با بررسی ریشه‌های تاریخی نمایشنامه‌نویسی آغاز می‌شود. قسمت اصلی این مقاله بررسی نمایشنامه‌ها و نمایشنامه‌نویسی در ۱۹۶۰ به بعد در ایران است. نویسنده معتقد است که «در دهه ۱۹۶۰ تشاتر از طرف دولت از پشتیبانی شایانی برخوردار شد. دانشکده هنرهای زیبا رشته تئاتر دایر کرد و سپس وزارت فرهنگ و هنر «دانشکده هنرهای دراماتیک» را و رادیو-تلویزیون ملی ایران «کارگاه‌نمایش» را (ص ۳۸۴) و ادامه می‌دهد که جشن هنر شیراز باعث شد که هنرهای نمایشی گسترش شایان توجهی بیابد. در نظر نویسنده، این پشتیبانی رسمی موجب پدید آمدن تحرك جدیدی در نمایشنامه‌نویسی در ایران شد و از جمله نمایشنامه‌نویسان باذوقی مانند بهرام بیضایی، غلام حسین ساعدی (گوهرمراد)، و عباس نعلبندیان نمایشنامه‌های با ارزشی نوشتند و نوشته‌های هنرمندان دیگری چون علی نصیریان، بهمن فرسی، ارسلان پوریا، بیژن مفید، و اسماعیل خلیج نیز، از نظر نویسنده، با موفقیت روبرو شدند. پس از این بررسی مقدماتی نویسنده هنر سه تن از مهم ترین نمایش نامه‌نویسان معاصر، یعنی بیضایی و ساعدی و نعلبندیان، را تحلیل می‌کند و با مهارت تمام جوانب خلاق نوشته‌های آنان را برای خواننده بیان می‌کند. مانند این مقاله را به زبان انگلیسی در جای دیگری سراغ نداریم.

بخش پنجم، «ادبیات فارسی خارج از ایران» نام دارد و شامل چهار مقاله است: مقاله اول، «شعر فارسی در شبه قاره هند و پاکستان» نوشته خانم آنماری شیمبل، مروری است بر تاریخ پیدایش و ادامه شعر فارسی در هندوستان. این سنت با ابوالفرج رونی آغاز می‌شود و با اشعار مسعود سعد سلمان، و سرانجام با امیر خسرو دهلوی اوج می‌گیرد. مقاله دوم، «اشعار فارسی اقبال»، هم نوشته خانم شیمبل است. ایشان با تخصصی که در شناخت اندیشه و شعر اقبال لاهوری دارد، به خوبی اهمیت شعر وی و جایگاهش را در ادب فارسی برای خواننده بیان کرده‌است.

مقاله سوم، «ادبیات فارسی افغانستان، ۱۹۱۱-۱۹۷۸، در زمینه تاریخ سیاسی و اجتماعی»، نوشته بسیار مفیدی است از آقای اشرف غنی، حاوی مطالب و اطلاعاتی از ادبیات فارسی در افغانستان، که برای بسیاری از خوانندگان (از جمله این نگارنده) بکلی تازه است.

مقاله چهارم، «ادبیات جدید تاجیک» نوشته آقای کیت هیچیتز، مروری است بر تاریخ

ادبیات تاجیک از اواخر قرن ۱۹ تا حدود سالهای ۱۹۶۰. از جمله مطالب خواندنی این مقاله بررسی تأثیر انقلاب شوروی بر ادبیات و شعر نو تاجیک است.

عنوان بخش ششم «ترجمه ادبیات فارسی» است شامل دو مقاله. مقاله اول، «ادبیات فارسی در ترجمه» نوشته آقای جان یوحنا، مروری است بر تاریخ ترجمه ادبیات فارسی به زبان‌های اروپایی، بیشتر به زبان انگلیسی. مقاله دوم، «کتابشناسی برگزیده‌ای از ترجمه‌های ادبیات فارسی» در دو قسمت است، یکی «ادبیات کلاسیک»، که توسط آقای ویکنز گرد آوری شده؛ و دیگری «ادبیات جدید فارسی» که با همکاری آقایان محمد قانونپور، مایکل هیلمن، و جان یوحنا تهیه شده است. در مجموع این بخش کتاب برای کسانی که با ادبیات فارسی از راه ترجمه آشنا می‌شوند سودمند است.

در نهایت، این کتاب به رغم ناهماهنگی‌ها و یکنواخت نبودنش (که در هر مجموعه‌ای که با همیاری ۲۱ تن محقق تهیه شده باشد، ناگزیر موجود است) کتاب موفق است. انتشار آن بهنگام است و قدم مؤثری است در شناسایی ادبیات شاعرانه فرهنگ ایران. مطالعه آن را به تمام افرادی که به ادبیات ایران علاقمندند، بخصوص به جوانانی که در این دوره از تاریخ ایران بیش از پیش متوجه ارزش ادب فارسی در شناسایی و استوار کردن هویت ایرانی شده‌اند، توصیه می‌کند.

A.15) "Review of *Persian Literature*, edited by Ehsan Yarshater. Bibliotheca Persica: Columbia Lectures on Iranian Studies, no. 3; Albany, N.Y.: The Persian Heritage Foundation, SUNY Press, 1988. Pp. xi, 526" In *Iran Nameh*. Vol. VIII, no. 4 (Fall, 1990), pp. 641-650.

# ایران‌نامه

مجله تحقیقات ایران‌شناسی

## مقاله‌ها

- |                    |  |
|--------------------|--|
| جمشید بهنام        | دربارهٔ تجدد ایران (II)                |
| ایرج پارسی نژاد    | میرزا آقاخان کرمانی متقد ادبی          |
| علیرضا مناف زاده   | ذهنیت و تاریخ                          |
| فرهاد خداینده‌لو   | نگاهی به دوسوی آینه                    |
| احمد کریمی حکاک    | یاوه‌سرایان، هرزه‌درایان، و شاعران     |
| نقد و بررسی کتاب   | حقیقت سیاسی در ادبیات معاصر ایران      |
| باقر یرهام         | ادبیات فارسی                           |
| حسین ضیایی         | دو جستجوگر امکانات و معنای بیان تصویری |
| گذری و نظری        | دکتر پرویز ناتل خانلری                 |
| بهر روز صوراسرافیل | مهدی اخوان ثالث                        |
| یادرفتگان          |  |
| محمدجعفر محجوب     |  |
| د. ا.              |  |